نشریه علمی- پژوهشی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال هفتم، شمارهٔ بیست و پنجم، بهار ۱۳۹۴، ص ۲۰۳- ۱۷۷

دستور زبان روایت در ادبیات تعلیمی
(با تکیه بر ساختار روایت و جایگاه روایت‌شنو در مناظرات پروین اعتصامی)

دکتر الیاس نورایی*- لیدا عزیزی**

چکیده

آنچه در روایت‌شناسی ساختارگرا مورد بررسی قرار می‌گیرد، جنبه‌های ساختاری، زبانی و روایی یک اثر است. ساختارگرایان با واکاوی کلیت متون و قالب‌های ادبی و تجزیهٔ آن به واحدهای کوچکتر (تا جایی که دیگر قابل تجزیه نباشد) بر آنند تا به تعریف دستور زبانی برای انواع روایت‌ها دست یابند. پراپ از جمله روایت شناسانی بود که با بررسی کلیت ساختار صد قصهٔ روسی و تجزیهٔ آن‌ها به اجزای کوچکتر، ضمن بیان خویشکاری‌های تکرار شونده، به تعریف دستور زبان روایی این قصه‌ها دست یافت.

مناظره در دیوان پروین اعتصامی عاملی است که سبب شده پروین را صاحب سبکی مستقل بدانند. این امر نشان می‌دهد که یکی از دلایل موفقیت مناظرات پروین گذشته از

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه nooraei@razi.ac.ir
** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام naghus15@yahoo.com

تاریخ وصول ۹۳/۵/۲۲ تاریخ پذیرش ۹۳/۹/۲۹

Archive of SID
www.SID.ir

تنوع نوآوری‌هایی که در شخصیت‌های مناظره داشته است، تسلط و به‌کارگیری زبانی سخته و صیقل یافته، محتوایی ناب و امروزی، خاصه در مسائل اجتماعی فرهنگی زمان خویش است. پژوهش حاضر به شیوهٔ توصیفی- تحلیلی و با بهره گیری از منابع کتابخانه‌ای با تکیه بر مناظرات پروین اعتصامی به عنوان گونه‌ای از ادبیات تعلیمی، در گام اول به تعریف دستور زبان روایت در ادبیات تعلیمی می‌پردازد و سپس در صدد است تا ساختار روایت، موقعیت‌های روایت‌شنو (مخاطب) و محتوای این مناظرات را نیز از دیدگاه علم روایت‌شناسی مورد بررسی قرار دهد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهدکه در ادبیات تعلیمی (روایت‌شنو) در مرکز روایت قرار دارد و نسبت به دیگر عناصر روایت برجسته تر است. همچنین در مناظرات پروین گونهٔ روایت‌شنو از نوع روایت‌شنو بیرونی است و گاه تبدیل به پنهان شنو می‌شود.

واژه‌های کلیدی

روایت‌شناسی ساختارگرا، ادبیات تعلیمی، روایت‌شنو، پروین اعتصامی

مقدمه و بیان مسأله

روایت‌شناسی ساختارگرا به تحلیل ساختارها و توصیف قوانین حاکم بر روایت‌ها استوار است و با پیش فرض قرار دادن اصل ساختار، در پی تحلیل ساز و کار ساختاری اثر است و به مسائلی همچون نیت مؤلف و چگونگی تحلیل خوانندگان توجهی ندارد. فرمالیست‌ها که با استفاده از ابزارهای بیانی به تحلیل موضوع اثر می‌پردازند، خود ابزارها و فرآیند شکل گیری آن‌ها را هدف شناختی خود ساختند. روش پرداختن ایشان به اثر نیز روش متفاوت با گذشته بود. آن‌ها در خوانش اثر از عناصر بیانی مانند وزن عروضی، ریتم و... به عنوان عوامل سازنده شعر گذشتند و فرم (نحوه ترکیب) عناصر

Archive of SID

www.SID.ir

نحوی، واژگانی و معنایی را تحلیل و بررسی کردند. این همان دیدگاهی است که ارسطو در بوتیک خود بکار برد. بدین ترتیب تلاش در جهت احیای اصطلاح بوطیقا آغاز شد و عاقبت در نوشته‌های رومن یاکوبسن هویدا شد (اسکولز، 1379: 24).

پیش از جلوتر رفتن و پرداختن به مباحث اصلی ساختارگرایی و بوطیقا، ذکر نکته‌ای ضروری به نظر می‌آید. آنچه در دو بند اخیر آمده چهره دقیق فرمالیسم اولیه نیست و به روشنی می‌توان دید که از آن فاصله گرفته است. چه فرمالیست‌های سنتی توجه خود را معطوف به فرم و مسائل صوری کردند و اشخاصی مانند آیخن باوم از چهره‌های دوره گذار از فرمالیسم به ساختارگرایی محسوب می‌شود. ادبیات نو شاهد داد و ستدی است بین خود و ساختارگرایی. ساختارگرایی همان طور که با یک دست چیزی (قدرت نقد و تحلیل اثر یعنی بوطیقای ادبی) به ادبیات می‌دهد، با دست دیگر چیزی از آن پس می‌گیرد و آن خلاقیت هنری ادبیات است. توضیح آن که در واقع یک نقد نظری، هر قدر هم از دیدگاه نقد ادبی سودمند و خوب باشد، پیوسته ادبیات را با قواعد خود فرسایش و تقلیل می‌دهد، به طوری که آن را در حد هنری مکانیکی (نه ذوقی و خلاق و خود جوش) پایین می‌آورد. این موضوع سبب می‌شود که عرصهٔ ادبیات را از وجود شاعران و نویسندگان خلاق و نوآفرین ذوقی پاک کند و قواعدی بسازد تا آن را در اختیار همگان قرار دهد (رک. جعفری، 1389: 101).

مناظره به‌عنوان یکی از فنون ادبی در گستره ادب فارسی همواره مورد توجه شاعران و اهل ذوق بوده است. هر شاعر و نویسنده متعهدی بر آن است تا با بازتاب مسائل و مشکلات جامعه خویش دریچه‌ای تازه به روی خوانندگان بگشاید و راه و رسم حقیقی رسیدن به کمال و انسانیت و عدالت را به آن‌ها نشان دهد. فن مناظره که در آن دو شخصیت متضاد یا دارای افکار و اندیشه‌ی متمایز از هم قرار دارند، یکی از ابزارها و فنونی است که شاعران و صاحب نظران توانسته‌اند به‌واسطه آن افکار، عقاید و بسیاری

Archive of SID

www.SID.ir

از مسائل و مشکلات جامعه را به چالش بکشند و برای حل این امور راه حل‌هایی نیز ارائه دهند. پروین اعتصامی به‌عنوان یکی از این شاعران متعهد با زبانی فاخر و سخته و به دور از تعقید و با شخصیت‌پردازی‌هایی بی‌نظیر در قالب مناظراتی جذاب و بی‌بدیل پرده از مسائل اجتماعی و فرهنگی زمان خویش برمی‌دارد و راه درستی و هدایت را به مردمان زمان خویش می‌آموزد. این پژوهش بر آن است تا با تحلیل ساختار و محتوای مناظرات پروین اعتصامی به بررسی دستور زبان روایت آن به‌عنوان ادبیات تعلیمی بپردازد و موقعیت‌های روایت‌شنو آن را مورد واکاوی قرار دهد لذا سؤالات اساسی که پیکرهٔ پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد این‌گونه مطرح می‌شود که:

1) جایگاه راوی، متن و روایت‌شنو در ادبیات تعلیمی چگونه است؟

2) گونهٔ روایت‌شنو در مناظرات پروین از کدام نوع است؟

3) مناظرات پروین به لحاظ محتوا و گونه به چند دسته تقسیم می‌شود؟

پیشینهٔ پژوهش

در زمینهٔ اشعار پروین اعتصامی و محتوای آن پژوهش‌های فراوانی انجام شده است. به‌عنوان مثال فائزه عرب یوسف‌آبادی و همکاران (1392) در پژوهشی به «شکل و ساخت تمثیلات پروین اعتصامی» پرداخته‌اند، علی‌اصغر فیروزنیا (1388) در نگاهی فرمالیستی «به بررسی ریشه‌های مناظرهٔ مست و هوشیار در دیگر متون کهن» می‌پردازد. همچنین قدیسه رضویان و همکار (1392) در پژوهشی به «بررسی رمانتیسم اجتماعی در شعر پروین اعتصامی» پرداخته‌اند. در زمینهٔ جنبه‌های ادبی و محتوایی مناظرات پروین، مقالات فراوانی نوشته‌شده است اما آنچه موجب تمایز یک پژوهش از دیگر کارهای دیگر می‌شود، جزئی‌نگری و تخصصی بودن آن است و از امتیازهای پژوهش حاضر این است که علاوه بر کار بست نظریه‌های جدید ساختارگرایی و روایت‌شناسی

Archive of SID

www.SID.ir

با دیدگاهی تازه به ساختار پی‌رنگ و روایت در ادبیات تعلیمی و مناظرات پروین می‌پردازد.

ادبیات تعلیمی و جلوه های آن در مناظرات پروین

ادبیات تعلیمی که از قدیمی ترین انواع ادبی است، به بیان مسائل اخلاقی و پند و اندرز می پردازد. این نوع ادبی که در آثار بیشتر شاعران مشاهده می شود، متونی را به خوانندگان خود عرضه می کند که با توجه به موضوع، تاثیر به سزایی در تفکر، نوع نگرش و سطح آگاهی افراد می گذارد. به طوری که می توان گفت ادبیات تعلیمی مخصوص یک قالب نیست بلکه در تمام قالب های شعر فارسی اعم از نظم و نثر و به خصوص قصاید و مثنویات راه یافته است.

ضرورت پرداختن به ادبیات تعلیمی بستگی به نیاز جامعه دارد و هر زمانی بسته به اقتضای روزگار، نوعی ادبیات تعلیمی آشکار شده است. جان دیویی، چهار ویژگی برای تعلیم و تربیت در نظر دارد که عبارتند از:

الف). تعلیم و تربیت ضرورت زندگی است: دیویی تعلیم و تربیت را به عمدی و غیر عمدی تقسیم کرده است و اساس آموزش و پرورش را ارتباط و انتقال فرهنگی و اجتماعی دانسته است زیرا بدون آموزش و پرورش عمدی و غیر عمدی زندگی میسر نیست.

ب). تعلیم و تربیت به مثابهٔ کنش اجتماعی است: محیط اجتماعی، نقش مهم تربیتی دارد و فراگیری افراد امری انتزاعی و مجرد از مناسبات و روابط اجتماعی و محیط نیست بلکه در متن و با همین مناسبات، مطالب فراوانی را فرا می گیرد.

ج). تعلیم و تربیت به مثابهٔ راهنمایی است: به اعتقاد دیویی انگیزه ها و کوشش های مشخص نو آموز را باید کنترل و هدایت کرد و نقش راستین تعلیم و تربیت همین است.

Archive of SID

www.SID.ir

د). تعلیم و تربیت به مثابهٔ رشد است: دیویی در این مورد بر این نکته تاکید تام می‌ورزد که تلیم و تربیت به رشد رساندن است و رشد عمق زندگی است. تا زندگی هست، تعلیم و تربیت هم وجود دارد(رزمجو، 1380: 72).

شعر تعلیمی در ادبیات فارسی در قدیم شامل سروده های اخلاقی و مذهبی و عرفانی بود ولی از انقلاب مشروطه به بعد مسائل سیاسی و اجتماعی به آن وارد شد و آن را غنی تر ساخت و ادبیات را به سوی تعهد و مسائل اجتماعی سوق داد. پروین شاعری بیدار و هوشیار بود که با چشمان باز به مسائل جامعه می‌نگریست و با شهامت و جرات کم نظیر از هم رنگ شدن با جماعت تن می زد، سر تسلیم در برابر فشارهای سیاسی و اجتماعی فرود نمی آورد و فریفتهٔ رنگ و بوی و نقش و نگار ظاهری نمی‌شد.

نقش تعلیم و تربیت در انسان سازی و دغدغه های پروین نسبت به اصلاح ساختارهای اخلاقی جامعه با تاکید بر دین و فرهنگ اسلامی سبب شد تا با نگرشی اسلامی و نگاهی دقیق، درد جامعهٔ خویش را تشخیص دهد و برای درمان آن داروی پند و اندرز را در قالب شعر تجویز کند. در واقع هدف پروین از سرودن این اشعار تعلیم و تربیت افراد جامعه اش بود.

اخلاق برای پروین مقدم بر هر امر دیگری است. او قبل از آن که یک عارف یا یک زاهد یا حتی یک زن، یعنی خودش، باشد، یک معلم اخلاق سنجیده می شود و اگر مطابق آن بود ارزشمند است و در غیر این صورت مردود است(بهبهانی، 1370: 89).

عمده‌ترین محورهای اخلاقی در ادبیات تعلیمی و نمود آن در اشعار پروین اعتصامی

-توجه به نیکی و نیکویی: نیکی و نیکویی از صفات اخلاقی پسندیده است. پروین انسان را به نیکی و درستکاری دعوت می کند. راه راست را راه نیکویی و جاودان معرفی می کند:

Archive of SID

www.SID.ir

ای نیـک بـا بـدان منـشین هرگـز خوش نیست وصـله، جامـه دیبـا را
(اعتصامی، 1377: 12).

-توصیه به هنرورزی: هنر ورزی و توصیه به آن از بن مایه های زیبای شعر پـروین به شمار می آید به طوری که پروین انسان را به هنر ورزی توصیه و تشویق می کنـد و بر آن است که دیبای هنر برترین و دست نایافته ترین متاعی است که در هیچ بازاری به دست نمی آید:

بـه هنـر کـوش کـه دیبـای هنـر هـیچ بافنـده بـه بـازار نداشـت
(همان: 66).

-توصیه به کسب علم و دانش: علم و دانش به وجهی که رهـایی بخـش آدمـی از چنگال بلاهت خویش و شقاوت آدمی باشد، بسیار در دیوان پروین مورد تاکیـد قـرار گرفته است، پروین با عتاب قرار دادن هم روزگاران خود می گوید:

تو ای سالیان خفته بگـشای چـشمی تـو ای گمـشده بـازجو کـاروان را
(همان: 15).

پرهیز از حرص و آز: پروین با تقبیح مکرر آز به عنوان یک رذیله اخلاقی، نسبت به اخلاقیات حاکمان سیاسی و طبقات مختلف جامعه به صورت غیر مستقیم موضع گیری کرده است (محسنی و پیروز، 1388: 137).

بس که در مزرع جان دانـۀ آز افکنـدیم عاقبت رست به باغ دل ما خاری چند
(همان: 80).

پرهیز از ریاکاری و تظاهر:

در نگرش اصلاحی پروین، ریا و سالوس در تقابل با راستی قرار گرفته اسـت. پـروین ریشۀ همۀ فسادها را در روی و ریا می داند و ما را از ریاکاری منع می کند که کـشت دروغ، حقیقت و راستی به بار نمی آورد:

Archive of SID

www.SID.ir

زمانه گشت چو عطار و خون هر سگ و خوک فروخت بر همه و گفت: مشک تاتاریست
(اعتصامی، 1387: 51).

پرهیز از تنبلی و کاهلی: که در فرهنگ ما ایرانیان کاهلی و تنبلی امری مذموم و ناپسند است و پروین نیز آن را نکوهش کرده است. از نظر وی کار مانند حرکت، قانون عالم هستی و یگانه راه مقاومت با رکود و پوسیدن و مردن است:

کار ما گر سهل و گر دشوار بود کارگر می خواست زیرا کار بود
(همان: 234).

توجه به قناعت: از دیگر توصیه های اخلاقی پروین، قناعت ورزی است. پروین توانگری را در قناعت ورزی می داند و در شعر وی قناعت در تقابل با حرص و آز قرار می گیرد:

قناعت کن اگر در آرزوی گنج قارونی گدای خویش باش ار طالب ملک سلیمانی
(همان: 136).

تعریف مناظره

مناظره در لغت به معنی «باهم بحث کردن و نظیر کسی یا چیزی گردیدن، جواب و سؤال کردن و مباحثه و همچنین عبارت از توجه متخاصمین در اثبات نظر خود در مورد حکمی از احکام و نسبتی از نسبت‌ها برای اظهار و روشن کردن حق و صواب است» (دهخدا، 1336: ذیل مناظره). رادویانی در ترجمان البلاغه از مناظره با عنوان «سؤال وجواب» یاد کرده است و بیان داشته که «یکی ازجمله صناعت‌های شعر، آن است که شاعر در هر بیتی سؤالی و جوابی بگوید یا در مصرعی سؤالی ودر مصراع دیگر جوابی» (رادویانی،1374: 188). کاشفی در مقدمه کتاب «بدیع الافکار فی صنایع الاشعار» مناظره را به معنی «مجادله» آورده است. «مناظره در اصطلاح آن است که شاعر از زبان هر یک از آن دوچیز یا زیادت که با یکدیگر در مقام مناظره‌اند، سخنی بگوید و

Archive of SID

www.SID.ir

صفاتی که متضمن بر تفضیل یکی و تحقیر دیگری باشد، برشمارد» (کاشفی،1369: 83). به‌هرحال با توجه به آنچه بیان گردید می‌توان گفت که مناظره یکی از صنایع مورد استفاده در شعر است که در آن دو یا چند شخصیت با هم به سؤال جواب می‌پردازند و هرکدام بتواند جوابی نغزتر و زیرکانه‌تر بدهد، توجه خواننده و شنونده را به خود وا می‌دارد به‌گونه‌ای که پاسخ گر «با بهره جستن از فریبی در سخن، از پاسخ تن می‌زند و پرسنده را در تب و تاب شنیدن پاسخ وامی‌گذارد» (کزازی،1373: 156). در خصوص پیدایش مناظره نمی‌توان نظری قطعی و بی چند و چون بیان داشت زیرا آنچه در مناظره کانون توجه است، مبحث ارتباط کلامی‌است. در حقیقت مناظره بر اساس نوع هدف، یکی از انواع ارتباط کلامی‌است. در آثاری که پیش از اسلام بر جای مانده نیز می‌توان ردپای مناظره به‌عنوان یکی از نخستین صنایع و شگردهای ادبی را جست. در آثاری چون دادستان دینی، گنجشک ابایش، جاماسپ نامه، نامه تنسر، منظومه درخت آسوریک، با توجه به اهمیتی که فن مناظره در بیان مفاهیم مسائل خاص اجتماعی، فرهنگی اعتقادی داشته است از آن به‌عنوان یکی از شگردهای ادبی که شاعر یا نویسنده می‌توانسته برای مجاب نمودن مخاطب برای اثبات عقاید و افکار خود استفاده نماید، بکار گرفته شده است. با توجه به این موضوع، مناظره تنها به نظم محدود نمی‌شود بلکه در نثر هم گسترش‌یافته است. آثار زیادی در کتب منثور گذشته بر جامانده است. نظیر گلستان سعدی با عنوان (جدال سعدی به مدعی)، در کتاب مقامات حمیدی (مناظره طبیب و منجم) و در مرزبان‌نامه (مناظره مرزبان با وزیر شاه) دیده می‌شود. علاوه بر آن «مناظره در شعر نو نیز راه‌یافته و در مفاهیم موضوعات مختلف عرضه گردیده، قطعه «افسانه» نیما و قطعه معروف «به کجا چنین شتابان سروده دکتر شفیعی کدکنی از دفتر کوچه‌باغ‌های نیشابور از نمونه‌های بارز این فن ادبی در شعر معاصر است» (ابراهیم تبار،1392: 102). مناظره در آثار و متون بعد از اسلام در سبک خراسانی، مانند

Archive of SID

www.SID.ir

رودکی، فردوسی، منوچهری، اسدی طوسی، ناصرخسرو و... در سبک عراقی: سنایی، نظامی، مولوی، سعدی، خواجوی کرمانی، عبید زاکانی در سبک هندی: کلیم کاشانی وطالب آملی، در دوره بازگشت کسانی چون هاتف اصفهانی، قاآنی و وصال شیرازی و به‌ویژه در دوره مشروطه در آثار بزرگانی چون ملک‌الشعرای بهار، دهخدا، پروین اعتصامی و عارف قزوینی به وفور به کار رفته است اما آنچه شایسته توجه است، این است که با وجود کسانی چون اسدی طوسی که به سبب به کار بردن فراوان نوع مناظره «مناظرات پنج‌گانه (عرب و عجم، آسمان و زمین، نیزه و کمان، شب و روز، مغ و مسلمان)، مبتکر فن مناظره در شعر دری نامیده‌اند» (رزمجو، 1382: 149) و همچنین خواجوی کرمانی که سه رساله مستقل در فن مناظره دارد، این پروین اعتصامی است که به مناظره زندگی دوباره‌ای بخشیده است و تولّدی دیگر را برای مناظرات شیوا و رسای ادب فارسی رقم‌زده است.

مناظره در شعر پروین

مناظره در دیوان پروین اعتصامی عاملی است که سبب شده پروین را صاحب سبکی مستقل بدانند، ملک‌الشعرای بهار در مقدمه دیوان اشعار پروین بیان می‌کند که «دیوان ترکیبی است از دو سبک شیوه لفظی معنوی، آمیخته با سبکی مستقل و آن دو یکی شیوه خراسان است خاصه ناصرخسرو و دیگر شیوه شعرای عراق پارس که شیوه‌ای بدیع به وجود آورده است»(اعتصامی، 1377: مقدمه بهار). این امر نشان می‌دهد که یکی از دلایل موفقیت مناظرات پروین، گذشته از تنوع نوع آوری هایی که در شخصیت‌های مناظره داشته است، تسلط و به‌کارگیری زبانی سخته و صیقل یافته، محتوایی ناب و امروزی، خاصه در مسائل اجتماعی فرهنگی زمان خویش است.

پروین با آگاهی از پیشینه ادب فارسی و به‌کارگیری تجارب پیشینیان در فن مناظره

Archive of SID

www.SID.ir

توانسته است روح تازه‌ای در کالبد مناظره بدمد و آن را در قطعات زیبا و پر جذبه استحکام ببخشد. «پروین در سرودن مناظره از حیث کمیت و کیفیت از همه پیشینیان فراتر است. ابداع او در مضمون و انتخاب طرفین مناظره از اشخاص، موجودات جاندار، گل، گیاه، اشیاء بی‌جان یا موضوعات انتزاعی است» (قدمیاری،159:1387) بیشتر مناظرات پروین «دارای سه بخش خاص است وضع، نقیض و داوری یا نتیجه معمول. در بخش نخست یکی از طرفین مناظره از خود سخن می‌گوید، لاف می‌زند، شکایت می‌کند، دیگری را ملاقات می‌نماید. سپس در قسمت دوم طرف مقابل به طرح جواب و رد آن معنی و بیان راه‌حل یا دفاع از خود می‌پردازد. قسمت سوم یا آخرین بخش، استنتاج خود شاعر است که به تناسب مقام، شامل نکات اخلاقی و اجتماعی و نگاه حکمت‌آمیز است و احیاناً به درازا می‌کشد و از خلال آن عواطف انسانی، نیروی تخیل وقت تفکر پروین مشهود می‌شود» (همان: 160).

دستور زبان روایت در ادبیات تعلیمی

هر اثر ادبی از سه سطح: راوی، کنشگر و مخاطب (روایت‌شنو) تشکیل‌شده است. این سه سطح در تقابل با یکدیگر موجب به وجود آمدن گونه‌های روایی با سطوح مختلف آن می‌شود.

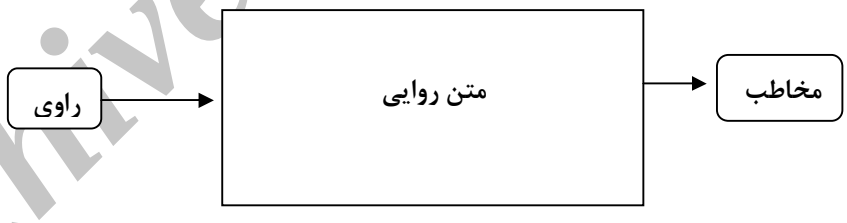

شکل شمارهٔ 1: سطوح اثر ادبی

Archive of SID

www.SID.ir

راوی به گفتهٔ ریمون کنان عاملی است که «در ساده‌ترین حالت به روایت می‌پردازد یا در خدمت برآوردن نیازهای روایت مبادرت می‌ورزد» (لوله، 1388: 32). همچنین وی در تعریف «روایت‌شنو» می‌گوید: «روایت‌شنو عاملی است که در ساده‌ترین شکل تلویحا مورد خطاب راوی قرار می‌گیرد» (همان: 32). روایت‌شنو ممکن است در سطحی بالاتر از روایت نخست واقع شده باشد و یا آن‌که شخصیتی داستانی در روایت نخست باشد «ژرار ژنت اولی را روایت‌شنو برون داستانی و دومی را روایت‌شنو درون داستانی می‌نامد»(Genette,1972: 34 & Todorov,1981:54). هر داستان اعم از زبان بنیاد و مصوّر دارای سه بخش فوق است.

دو گونه روایت‌شنو در داستان وجود دارد: «روایت‌شنو درون‌متنی» و «روایت‌شنو برون‌متنی»؛ بین این دو گونه تفاوت وجود دارد. به تعبیر ژنت: «راوی تنها به روایت‌شنویی می‌تواند مستقیم خطاب کند که با او در یک سطح روایی قرار داشته باشد بنابراین راوی برون داستانی تنها روایت‌شنوی برون داستانی را می‌تواند مخاطب سازد همچنان که راوی درون داستانی تنها با روایت‌شنوی درون داستانی می‌تواند سخن بگوید» (Genette,1972:123). روایت‌شنو درون‌متنی مربوط به درون داستان است و آن هنگامی‌است که در درون داستان، راوی یکی از شخصیت‌ها را خطاب قرار دهد. مثلا در مناظرهٔ «دزد و قاضی» در دیوان پروین آمده است:

دزدی پنهان و پیدا کار تست — مال دزدی جمله در انبار تست
تو قلم بر حکم داور می‌بری — من ز دیوار و تو از در می‌بری
(اعتصامی، 1373: 199).

در این بیت واژهٔ «تو» به اسم «قاضی» برمی‌گردد و چون یکی از شخصیت‌های داستان است، روایت‌شنو درون متنی به حساب می‌آید زیرا یکی از شخصیت‌های داستان، دیگری را مورد خطاب قرار داده است. در مقابل در بیت زیر از دیوان

Archive of SID

www.SID.ir

ناصرخسرو روایت‌شنو آن برون‌متنی است و هر مخاطبی را که شروع به خوانـدن مـتن کند بدون موقعیت زمانی، مکانی و جنسی شامل می‌شود:

چو تو خود کنی اختـر خـویش را بـد مدار از فلک چشم نیـک‌اختـری را

(ناصرخسرو،1385 :123).

در این بیت، «تو» روایت‌شنو برون‌متنی را دربرمی‌گیرد و شخص خاصـی را مطمـح نظر ندارد.

دستور زبان روایت در ادبیات تعلیمی با تأکید بر گونهٔ ادبی مناظره

در ادبیات تعلیمی به‌عنوان قالبی از قالب‌های ساختاری در ادبیات فارسی، گوینده و یـا نویسنده به قصد تعلیم و آموزش به آفرینش اثری مـی‌پـردازد و هنـر را بـرای تـرویج اخلاق و فکر و اندیشه و هدف خود به کـار مـی‌گیـرد. بوسـتان و گلـستان سـعدی از نمونه‌های برجسته ادبیات تعلیمی هستند. یا به عبارتی دیگر: به آن دسته از آثار ادبی که محتوای آن‌ها آموزه‌های اخلاقی یا اجتماعی و علمی‌است و به هـدف تعلـیم و تربیـت آفریده می‌شود اطلاق می‌شود. تعلیم، مصدر باب تفعیل عربی است به معنـای آمـوزش دادن. در اصطلاح، ادبیات تعلیمی یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین انواع ادبی است کـه هدف اصلی آن آموزش است. این اصطلاح از بدو پیدایش به دو معنای خاص و عام به کار رفته است. درگذشته معنای خاص آن بیشتر مورد توجه بوده اما بعدها معنای عـام آن اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است:

1- ادبیات تعلیمی در معنای خاص خود شامل دستورالعمل‌هایی بوده که به آموزش یک فن یا هنر خاص اختصاص داشته است. قدیمی‌ترین نمونه از این دست، شعری از هسیود یونانی (قرن هشتم قبل از میلاد) است که تجربه‌های خود را در کـشاورزی بـه برادر خود می‌آموزد. در معنای عام به آثـاری گفتـه مـی‌شـود کـه موضـوع آن مـسائل

Archive of SID

www.SID.ir

اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز، حکمت و جز آن است.

امروزه وقتی از ادبیات تعلیمی سخن می‌گویند، منظور ادبیات تعلیمی در معنای عام است. به نظر می‌رسد که شاعران فارسی‌زبان در سرودن شعر تعلیمی متأثر از اندرزنامه‌هایی باشند که قبل از اسلام در دوران ساسانیان نوشته‌شده بود. آفرین‌نامه اثر بوشکور بلخی و کلیله و دمنه منظوم رودکی که بیت‌هایی پراکنده از آن‌ها باقی‌مانده است، از قدیم‌ترین نمونه منظومه‌های تعلیمی است که در زبان فارسی دری به‌جامانده است اما نخستین اثر منظوم و مستقل فارسی در اخلاق، پندنامه نوشیروان است (رک. انوشه، 1381: 34 و45).

شناخت ساختار روایی ادبیات تعلیمی یکی از مهم‌ترین اهداف این پژوهش است. آغاز توجه به روایت‌شناسی ساختارگرا ابتدا توسط فرمالیست‌های روسی بنیان نهاده شد. اصولا هر متن روایی دارای سه موقعیت راوی، پیام و خواننده است. رومن یاکوبسن در مدلی که به‌صورت جامع‌تر ارائه می‌دهد، هر کنش ارتباطی بین راوی و مخاطب را دری عوامل سازنده‌ای به شرح زیر می‌داند:

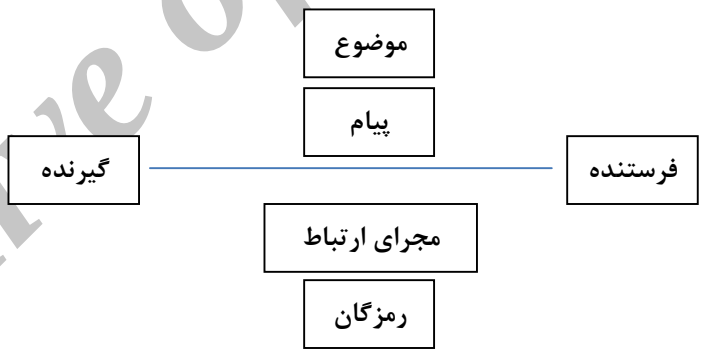

(سجودی، 1380: 91).

Archive of SID

www.SID.ir

فرستنده در این الگو پیامی را برای گیرنده می‌فرستد. این پیام برای این که بتواند مؤثر باشد باید به موضوعی یا مصداقی اشاره کند. موضوع باید برای گیرنده قابل‌درک باشد و به‌صورت کلامی‌بیان گردد و در این میان رمزگانی نیز وجود دارد که باید برای رمزگزار و رمزگردانی یا فرستنده و گیرنده مشخص باشد و سرانجام به مجرای ارتباطی نیاز است که به خواننده و گیرنده امکان می‌دهد میان خود ارتباط کلامی برقرار کنند (سجودی، 1380: 109).

حال اگر این الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن را دستاویزی برای تحلیل ساختار ادبیات تعلیمی قرار دهیم، به‌خوبی مشاهده خواهیم کرد که تمامی قسمت‌های ساختار فوق در متن ادبیات روایی دیده می‌شود. به‌عنوان مثال در ابیات زیر از مناظرات پروین آمده است:

دیده را چون عاقبت نادیدن است — به که نیکو بنگرد تا روشن است
جهد را بسیار کن عمر اندکی است — کار را نیکو گزین فرصت یکی است
عمر را باید رفو با کار کرد — وقت کم را باهنر بسیار کرد
(اعتصامی، 1373: 217).

در این ابیات فرستنده پیامی را به‌صورت کلامی‌در قالب ادبیات تعلیمی برای گیرنده می‌فرستد (استفادهٔ مفید از عمر بردن). آنچه در دستور زبان روایی ادبیات تعلیمی به چشم می‌آید، ارتباط روایی راوی، روایت‌شنو و پیام است. در ادبیات تعلیمی روایت‌شنو در مرکز ارتباط قرار دارد و محور اصلی ارتباط را تشکیل می‌دهد زیرا تأکید اصلی در این ساختار بر روی روایت‌شنو (مخاطب) است و راوی او را در نظر دارد تا پیامی همراه یک نتیجه به وی انتقال دهد.

ساختارگرایانی همچون گریمان و پراپ عقیده دارند که در پس هر داستان یا متن روایی یک مرحلهٔ عقد قرارداد شامل سه موقعیت ساختاری به گونهٔ زیر قابل ترسیم است:

Archive of SID

www.SID.ir

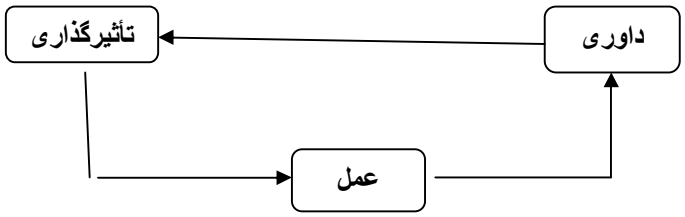

شکل (4): مراحل عقد قرارداد در داستان.

در این الگو منظور از «تأثیرگذاری» همان قرارداد بین شخصیت‌ها است. مثلاً شخصیت x با شخصیت y قراردادی منعقد می‌کنند که چنانچه شخصیت x فلان کار را انجام دهد (عمل) چنان چه بعد از قضاوت (داوری) آن کار به نحو مطلوب انجام‌شده باشد، فرد انجام دهندهٔ آن عمل پاداشی دریافت نماید. مثلاً در زندگی روزمره هنگامی‌که به کسی می‌گوییم اگر فلان کار را به‌درستی انجام دهی، فلان مبلغ را به تو می‌دهم. اکنون ما در این جستار در پی آنیم تا این الگوی ساختاری را به‌عنوان دست‌آویزی برای تشریح دستور زبان روایت در ادبیات تعلیمی قرار دهیم و با تکیه بر این الگو به نوعی قرارداد ساختاری برای این قالب ادبی دست‌یابیم. اگر از باب ریخت‌شناسی در گونهٔ ادبی مناظره وارد شویم به‌صراحت مشاهده خواهیم نمود که سه مرحلهٔ «تأثیرگذاری، عمل و داوری» در ساختار این قالب به چشم می‌خورد. به‌عبارت دیگر نوعی هدف در پس گفته‌های نویسنده در ادبیات تعلیمی وجود دارد که در ادبیات غنائی، عرفانی و حماسی دیده نمی‌شود. این هدف همان مرحلهٔ داوری است یعنی در ادبیات تعلیمی نویسنده، به‌طور پوشیده به خواننده می‌گوید: (مرحلهٔ قرارداد)، اگر این کارها را انجام دهی (مرحلهٔ عمل)، سعادتمند خواهی شد (مرحلهٔ داوری). به عنوان مثال در بیت زیر از بوستان سعدی به عنوان گونه‌ای از ادبیات تعلیمی این سه مرحله به‌خوبی مشاهده می‌شود:

Archive of SID

www.SID.ir

بـــه‌انـــدازهٔ بـــود بایـــد نمـــود خجالـت نبـرد آن‌کـه ننمـود و بـود

(سعدی، 1376: 134).

در این بیت نویسنده (سعدی) از باب نـصیحت بـه خواننـده (مخاطـب) مـی‌گویـد (مرحلهٔ قرارداد) اگر پایت را به‌اندازهٔ گلیمـت دراز نمـایی (مرحلـهٔ عمـل) هـیچ‌وقـت خجالت‌زده نخواهی شد (مرحلهٔ داوری). پس می‌توان گفت در ادبیات تعلیمی همیـشه یک پیام در پس گفتار نویسنده نهفته است که مستقیم به روایت‌شنو (مخاطب) مربـوط است و به همین دلیل برخلاف دیگر قالب‌های ادبی، مخاطب در مرکز سـاختار دسـتور زبان روایی این قالب وجود دارد. چون موضوع این پژوهش تکیه‌بر گونهٔ ادبـی منـاظره در شعر پروین اعتصامی است، در اینجا به تشریح نمونه‌ای از دستور زبان روایـی ایـن قالب در ادبیات تعلیمی می‌پردازیم:

به جغد گفت شبانگاه طوطی از سر خشم که چند بایدت این‌گونه زیـست سـرگردان

چرا ز گوشهٔ عزلت بـرون نمـی‌آیـی چه اوفتاده که از خلق می‌شـوی پنهـان

کسی به‌جز تو نبسته است چشم روشن‌بـین کسی به‌جز تو نکردست در خرابه مکان

جواب داد که بر خیره شوم خوانـدم ز من به کس نرسیده است هیچ‌گونـه زیـان

در آشیانهٔ ویـران خـویش خرسـندیم چه خوشدلیست در آباد دیـدن زنـدان

به عهد و یکدلی مردم اعتباری نیست که همچو دور جهان سست عهد بود انـسان

طبیب دهر نیاموخت جز ستم پـروین به درد کشت و حدیثی نگفت از درمان

(اعتصامی، 1373: 231).

در مناظرهٔ فوق که از دیوان پروین اعتصامی انتخاب‌شده است، نویسنده در پس متن ادبی قرار دارد و می‌خواهد در قالب تمثیل و از گفتگوی دو پرنده، پیامی اخلاقی را بـه گیرنده منتقل کند:

Archive of SID

www.SID.ir

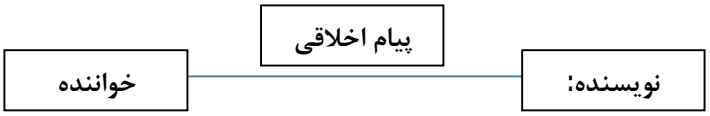

در ساختار ادبیات تعلیمی و نوع ادبی مناظره خواننده از محوریت خاصی برخوردار است زیرا هدف اصلی نویسنده توجه به روایت‌شنو (خواننده) است و قصد نصیحت وی را دارد. حال با این اوصاف این سؤال پیش می‌آید که گونهٔ روایت‌شنو در نوع ادبی مناظره در دیوان پروین از کدام گونه است؟ در پاسخ باید گفت چون خواننده در بیرون از جهان متن حضور دارد و به تولید اثری ادبی می‌پردازد که در پس آن پیامی‌نهفته است، این‌گونه نویسنده روایت‌شنو مشخصی را در نظر ندارد، بلکه روایت‌شنوی آن از گونهٔ بیرونی است و هر خواننده‌ای را که شروع به خواندن متن نماید (بدون توجه به زمان، جنسیت و مکان)، شامل می‌شود. پس می‌توان مناظرات پروین را گونه‌ای متن روایی دانست که در آن نویسندهٔ تاریخی (واقعی)، یک خوانندهٔ تاریخی (واقعی) را به‌صورت پوشیده خطاب قرار می‌دهد. به تعبیر میکی بال: «متن روایی یک نشانه به شمار می‌رود که فرستندهٔ این نشانه نویسنده و گیرندهٔ آن خواننده است و در درون این نشانه فرستنده‌ای دیگر، یعنی فاعل گوینده یا راوی، نشانه‌ای را برای گیرنده‌ای دیگر، یعنی روایت‌شنو می‌فرستد که داستان مدلول آن است»(Mike Bal,1977:12). در شکل زیر پروین در جایگاه نویسندهٔ تاریخی، به نصیحت و پند خوانندهٔ تاریخی می‌پردازد.

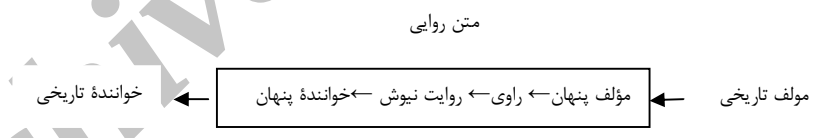

محتوای مناظرات پروین اعتصامی

با تفحص در اشعار پروین درمی‌یابیم که او از مکاتب فلسفی آگاه نیست و قصد تبلیغ

Archive of SID

www.SID.ir

و ترویج مرام و مسلک خاصی را ندارد بلکه خطیب و مبلغ افکار جدید است و از شعر و هنر خود تنها چشم به اصلاحات اخلاقی و اجتماعی دارد. شعر پروین با مضامینی نو و با علاقه و دلسوزی به حال بینوایان نسبت به دیگران اقران خود ممتاز است. او مدافع حقوقی رنجبران و رنجدیدگان و شریک درد و غم زحمتکشان و کشاورزان و به طور خلاصه سخنگوی پرشور و پابرجای تیره‌بختان است. در اشعار پروین، «یک نوع دل‌تنگی و ملال خفیف نهفته است. این همان لحن قناعت و غنای قدیمی‌هاست که در نشیده‌های پروین خزیده و با یک غنه زیاده‌طلبی اعتراض ملایم بیان گردیده است». (آرین پور، 1382: 3/ 541) پروین هرچند تجربه مادر شدن را نداشته ولی «مهر مادری نسبت به تهیدستان و یتیمان و نیز مهربانی به جانوران در اشعار پروین هویداست» (صفا، 1372: 593).

بن‌مایه بیشتر اشعار پروین تعلیمی است و در تمامی‌آن‌ها سعی دارد تمام انسان‌ها را به محبت و نوع‌دوستی فرا خواند. او «نکات اخلاقی را در اشعار مؤثر و دلاویز، با آزادی کامل که در تار و پود اشعارش تنیده شده است بیان کرده است» (نمینی 1361:33). در مناظرات پروین به‌ویژه در مناظرات انسانی که در آن دو طرف مناظره انسان هستند، با روشن‌بینی شناخت واقعیت اجتماع و طبقات مختلف جامعه، راه درست و درک صحیح از مسائل روزگارش را به‌خوبی به تصویر می‌کشد، قطعه مست و هوشیار نیز چنین است که دوران سیاه دیکتاتوری رضاخان با همه مظاهرش پروین را از حقیقت گوی باز نمی‌دارد (ابراهیم تبار،1392:106). پروین نیز مانند سایر شاعران بزرگ و متعهد این مرز و بوم هدفش از شعر گفتن تنها ایجاد یک دیوان شعر از موضوعات مختلف و متنوع نبوده است. پروین همان شاعری است که نیما یوشیج می‌خواهد، او فرزند زمان خویش است و نماینده و نماد مردم دردمند روزگارش. در واقع «صدای اشعار پروین، صدای ناراحتی مردم از هیأت حاکم است. عمده‌ترین دوران

Archive of SID

www.SID.ir

زندگی کوتاه تمام زندگی هنری او در دوران سیاه و وحشت‌آور دیکتاتوری گذشت. این دوره، خواه‌ناخواه در آثار پروین تأثیرات زیادی باقی گذاشت و در گرایش او به طرف تصورات عرفانی بی‌تأثیر نبوده است. انعکاس این دوره به شکل منفی در آثار او بروز کرده است. البته باید عامل طبقاتی را بدان افزود. اینکه پروین زن بود و به علت وضع خاص زنان در اجتماع آن روز ایران امکان هیچ‌گونه فعالیت سیاسی و اجتماعی نداشت و دنیا و مسائل زندگی را نه از راه یک مشاهده عینی بلکه تنها از خلال مجموعه آن چیزهایی که در دسترس بود به او اجازه نمی‌داد که راه دیگری بجوید، جستجو می‌کرد» (دریا گشت، 1332: 72).

محتوای مناظرات انسانی پروین اعتصامی

در مناظرات انسانی پروین، بیش از هر چیزی به مسائل و دردهای اجتماعی جامعه پرداخته‌شده است. در حقیقت مناظرات انسانی پروین، آینه تمام نمای اوضاع حاکم بر جامعه و نشان‌دهنده پدیده‌های چون رشوه‌خواری، پایمال کردن حقوق مظلومان، فساد درباریان، نادانی و بی‌خردی حاکمان و مسئولان جامعه، فقر و تنگدستی طبقه پایین جامعه وبرتری و رفاه سرمایه‌داران و جز آن هست. پروین به عنوان شاعری متعهد همواره درد و رنج مردم جامعه را به تصویر می‌کشد و با زبانی بی‌پروا و خالی از تصنع زبانی گویای مردمی می‌شود که با این‌همه رنج و بدبختی می‌سازند.

1)فقر و تنگدستی مردم در رفاه و آسایش حکومتیان

نظام دیکتاتوری، حکومتی است که خود را از چارچوب قوانین و مناسبات اجتماعی بیرون نگه می دارد. این نظام هم به صورت غیر قانونی قدرت را در اختیار می گیرد و هم نمی تواند جانشینی قانونی برای خود بیندیشد (آیور، 1349: 28). رضا شاه به عنوان

Archive of SID

www.SID.ir

رئیس قوهٔ مجریه با نقشه های بیگانگان و با زیر پا گذاشتن قانون اساسی، به قدرت رسید و در دو دهه با سرکوب، ترور و کشتار مخالفان بر مسند قدرت نشست. پروین در ابیاتی کلی و مبهم به قتل و غارت و شکنجه کارگزاران اجرایی اشاره کرده است:

ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است — این گرگ سالهاست که با گله آشناست

(اعتصامی، 65:1377)

حاصل ما را دگران می‌برند — زحمت ما رحمت بی مدّعاست

از غم باران و گل‌وبرف و سیل — قامت دهقان، بهجوانی دوتاست

خرقه درویش ز درماندگی — گاه لحاف است و زمانی عباست

(همان)

2) **زهد دروغین و ریاکارانه:** وقتی جامعه ای را فساد فرا گیرد، متولیان دین نیز از این آلودگی مبرا نخواهند بود. بسیاری از کارگزاران دینی در عصر شاعر با سوء استفاده از جایگاه و شان خود و احساسات و اعتقادات دینی مردم از دین، کارکردی سود مدارانه را انتظار داشته اند. پروین به عنوان یک مسلمان معتقد که بیشتر به فکر دین بود، از فسادی که دامنگیر زاهدان شده و آنها را به ریا واداشته پرده بر داشته است:

آنکه درش، روز کرم بسته بود — قفل در حق نتواند گشود

نفس تو چون خودسر و محتاله شد — زهد تو چون کفر دوصد ساله شد

طالعت بی صدق وصف هیچ نیست — این‌همه جز روی و ریا هیچ نیست

(اعتصامی، 1377: 223)

با این که پروین از طبقهٔ فرادست جامعه بود، با اشعار زاهدانه و اخلاقی که در ارزش های دینی ریشه داشته بر آن بود تا اذهان مردم را به سوی دین اصیل و متعالی معطوف و ضرورت دین داری را برای مردم بیان کند.

Archive of SID

www.SID.ir

3) پدیده رشوه‌خواری در جامعه

می‌برم من جامه درویش عور　　تو ربا و رشوه می‌گیری به‌زور
(اعتصامی، 1377: 226)

گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان　　گفت:کار شرع کار درهم و دینار نیست
(اعتصامی ، 1377: 190)

حق بر آن کس ده که می‌دانی غنی است　　گر سراپا حق بود مفلس، دنی است
(اعتصامی ، 273:1377)

4) دزدی آشکار و دزدی پنهان در جامعه: پروین انسان ها را به پرهیزگاری و دوری از دزدی دعوت است و از دیدگاه وی آدمی مقام والایی دارد و از امکاناتی برخوردار است که می تواند با بهره گیری از آن ها به جایگاهی والا دست یابد. مقامی که رسیدن به آن نه به یاری ابزار و عناصر مادی دنیایی بلکه با پالایش روح میسر خواهد بود.

در مناظره دزد قاضی با وصف اینکه شخصی که دزدی کرده است، عمل دزدی را مرتکب شده است اما پروین سعی دارد که ریشه‌ها و علت‌های اصلی دزدی را نشان دهد و حقایق تلخی را که نشانگر وضعیت نابسامان اجتماعی را گوشزد کند و اینکه دزدان حقیقی کسانی هستند که خود در منصب قضاوت هستند و با گرفتن رشوه تغییر و تحریف احکام و سندسازی، به سود افراد ظالم ستمگر متمکن، حکم صادر می‌کنند.

تو قلم بر حکم داور می‌بری　　من ز دیوار و تو از در می‌بری
حد به گردن داری و حد می‌زنی　　گر یکی باید زدن صد می‌زنی
می‌برم من جامه درویش عور　　تو ربا و رشوه می‌گیری به‌زور
من ربودم موزه و طشت و نمد　　تو سیه‌دل، مدرک و حکم سند
(اعتصامی ، 1377: 226)

Archive of SID

www.SID.ir

پروین با زبان تند برنده، حاکمان و متصدیان جامعه را نقد می‌کند که چگونه با دزدی و دغل‌کاری تمام منابع را برای خود می‌خواهند و به مردم ضعیف، ظلم می‌کنند.

مردم این محکمه اهریمن‌اند — دولت حکام، ز غصب و ریاست
آنکه سحر حامی‌شرع است و دین — اشک یتیمانش گه شب غذاست
لاشه خورانند و به آلودگی — پنجه آلوده ایشان دواست

(اعتصامی ، 1377: 63)

در مناظره قاضی بغداد و فرزند ناآزموده‌اش، قاضی که باید حکم شرع را اجرا کند، درصدد کسب منافع خویش برمی‌آید وهدف از قضاوت را تنها کسب دارای بیشتر می‌داند. هرچند که از راه رای دادن به سود ظالم باشد و هرکس که تمکّن مالی بیشتری داشته باشد حق را به او می‌دهد و به فرزند خویش توصیه می‌کند:

خوش گذشت از صید خلق ایام من — ای پسر دامی‌بنه چون دام من
حق برآن کس ده که میدانی غنی است — گر سرا پا حق بود مفلس، دنی است

در انتها می توان گفت: پروین از نظر گرایش به مسائل اجتماعی- سیاسی و دینی و اخلاقی بی مانند است. او نخستین زنی است که سرودن شعر را به انتقاد اجتماعی بدل کرد و به زبان تمثیل و شیوهٔ مناظره، اشعار اعتراض آمیز خود را سرود. مناظرات هشدار دهندهٔ پروین رنگ و بوی مسائل اجتماعی زمان وی را دارد و چون آینه ای بیانگر شرایط روزگار زندگی وی است.

تحلیل محتوای مناظرات حیوانی در اشعار پروین اعتصامی

این قسم از مناظرات پروین از لحاظ تعداد، بیش از سایر مناظرات او است. شاید یکی از دلایل افزایش در تعداد و همچنین شمار ابیات این نوع از مناظرات پروین آزادی عملی بوده است که پروین توانسته است از حیوانات و نمادگرایی در این‌گونه مناظرات

Archive of SID

www.SID.ir

به کار ببندد. سخن گفتن از زبان حیوانات و اشیاء در ادب فارسی سابقه‌ای طولانی دارد و این امر خود علاوه بر دلپذیر کردن بیشتر مناظرات، راه را برای پروین بازتر کرده است تا بتواند هرچه بهتر و با تأثیرگذاری بیشتر، اوضاع نابسامان جامعه را در بوته نقد قرار دهد و پیام خویش را لفافه نغز و شیوا به خوانندگان سخنان بی‌بدیلش برساند.

در این قسمت از مناظرات، پروین بیشتر به مباحث اخلاقی می‌پردازد و مباحث انتقادی درباره حکومت، اوضاع سیاسی و اداری حاکم بر جامعه بیشتر در مناظرات انسانی پروین نمایان شده‌اند.

ازآنجاکه نمادهای به کار رفته در مناظرات حیوانی پروین به‌گونه‌ای فردی هستند نباید انتظار داشت که آن‌ها را با آنچه در فرهنگ نمادها و فرهنگ‌هایی که بر پایه نماد، پیکربندی‌شده‌اند، تفسیر کرد. آن‌گونه که کزازی در کتاب رؤیا، حماسه و اسطوره بیان می‌کند: «نخست نمادها به شمار کسان، گوناگون و پراکنده‌اند آنگاه که نهادینه‌تر، نمادین‌تر می‌شوند و بیش از رویه‌ها به ژرفاها می‌گرایند شمارشان به شمار تبارها کاستی می‌پذیرد. اگر روند درونی شدن در نمادها همچنان بپاید به نمادهایی دگرگون خواهند شد که جهانی‌اند و ژرف‌ترین وبنیادی‌ترین آزمون‌ها و یافته‌های بشریرابه‌دوراز رنگ نژادتباربازمی‌تابند». (کزازی،1390: 163)

نتیجه

روایت‌شناسی ساختارگرا به دنبال کشف دستور زبان روایت و قواعد ساختار پیرنگ در انواع متون روایی است. ادبیات تعلیمی یکی از گونه قالب‌های روایی است که با تکیه بر روایت‌شناسی ساختارگرا دارای دستور زبان روایی مختص خویش است. آنچه در کلیت دستور زبان روایت این قالب ادبی با تکیه بر مناظرات پروین اعتصامی حاصل می‌شود، این است که بر خلاف قالب حماسه و غنا در ادبیات تعلیمی همواره تاکید بر

Archive of SID

www.SID.ir

مخاطب (روایت‌شنو) است و همواره محوریت در ساختار سه گانهٔ این قالب با روایت‌شنو است. از طرف دیگر در مناظرات پروین اعتصامی همواره روایت‌شنو (مخاطب) از نوع بیرونی است و گاه تبدیل به پنهان شنوی ناشناس می‌گردد.

دست آورد دیگر پژوهش حاضر این است که با تکیه بر نمودار ارتباطی یاکوبسن، همواره سه عامل: نویسنده، پیام و مخاطب در گونهٔ ادبی مناظره و در ادبیات تعلیمی به چشم می‌خورد به طوری که گاه به طور صریح و گاه با رمزگان پیامی‌اخلاقی از طرف نویسنده به مخاطب منتقل می‌شود.

در مناظرات حیوانی و نباتی پروین بیش از پیش رو به نمادگرایی می‌آورد و هرکدام از حیوانات و نباتات را مظهر و نماد انسان‌ها و جهان‌بینی‌های انسانی قرار می‌دهد. بر آن است که مدینه فاضله‌ای را طراحی کند که در آن همه چیز و همه‌کس دارای ارزش و احترام است در این قسم از مناظرات پروین به‌خوبی می‌توان سخنان کسانی چون سهراب سپهری را شنید.

منابع

1- آرین پور، یحیی .(1380). **از نیما تا روزگار ما**، تهران: زوّار.

2- آیور، مک .(1349). ساختارهای نظام طبقاتی، ترجمهٔ حسین شرافتی، **راهبرد**، ش 11: 41- 24.

3- ابراهیم تبار، ابراهیم .(1392). **بررسی سبک‌شناسی و تحلیل محتوایی، مناظرات مست و هوشیار پروین با مست عامل مولانا**، فصلنامه بهارستان سخن، سال دهم، ش 24: 119- 98.

4- اسکولز، رابرت. (1379)، **درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات**، ترجمهٔ فرزانه طاهری، تهران: آگه.

Archive of SID

www.SID.ir

5- اعتصامی، پروین. (1373). **دیوان**، تهران: روایت.

6- اعتصامی، پروین، (1377)، **دیوان اشعار با مقدمه ملک‌الشعرا بهار**، تهران: نگاه.

7- انوشه، حسن. (1381). **فرهنگنامه ادبی فارسی**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

8- بهبهانی، سیمین. (1370). **پروین اعتصامی در یادنامهٔ پروین**، گردآوری دهباشی، تهران: دنیای مادر.

9- جعفری، اسدالله. (1389). **نامهٔ باستان در بوتهٔ داستان- تحلیل و طبقه‌بندی ساختاری شاهنامهٔ فردوسی**، تهران: علمی و فرهنگی.

10- دریا گشت، رسول .(1332). پروین اعتصامی، **مجله شیوه**، سال اول، خردادماه، ش 2: 81- 68.

11- دهخدا، علی‌اکبر .(1336). **لغت‌نامه**، تهران: انتشارات مجلس شورا.

12- رادویان، محمد بن عمر .(1374). **ترجمان البلاغه**، تصحیح احمد آتش، تهران: اساطیر.

13- رزمجو، حسین .(1380). **انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی**، مشهد: دانشگاه فردوسی.

14- سجودی، فرزان .(1380). **ساخت گرایی، پساساخت گرایی و مطالعات ادبی**، تهران: حوزه هنری.

15- صفا، ذبیح‌الله .(1372). **گنج سخن**، تهران: ققنوس.

16- قدمیاری، مجید .(1387). **معجزه پروین** (نقد وتحلیل و گزیده اشعار پروین اعتصامی)، تهران: سخن.

17- کاشفی، میرزا حسن .(1369). **بدایع الافکار و صنایع الاشعار**، ویرایش میر جلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز.

Archive of SID

www.SID.ir

18- کزازی، میر جلال‌الدین .(1390). **رؤیا، حماسه**، تهران: نشر مرکز.

19- ---------- .(1373). **زیباشناسی سخن پارسی**، تهران: نشر مرکز و کتاب ماد.

20- کوپر، جین .(1379). **فرهنگ مصوّر نمادهای سنتی**، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرشاد.

21- لوته، یاکوب. (1388). **مقدمه ای بر روایت در ادبیات و سینما**. ترجمهٔ امید نیک‌فرجام، تهران: مینوی خرد.

22- محسنی، مرتضی و پیروز، غلام رضا. (1388). **تحلیل شعر پروین اعتصامی بر اساس نظریهٔ زیبایی شناسی انتقادی**، نشریهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش 25: 223-248.

23- ناصرخسرو. (1375). **دیوان ناصرخسرو**، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: اساطیر.

24- نمینی، حسین .(1361). **جاودانه پروین اعتصامی**، تهران: فرزان.

25-Genette, Gerard. (1972). **FiguresIII**, Paris:Seuil .

26- Todorov, Tzvatan. (1981). **Introduction of Poetics**, Trans. Richard Howard,Minneapolis: Minnesota up .

27- Mike, Bal. (1977). **quotedin Edmond Cros Theory & Practice Sociocriticism**, Minneapolis: Minnesota Up .

Archive of SID

www.SID.ir